



حقیقت انقلاب ثور

ادگان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

دوشنبه ۱۱ دلو
سال ۱۳۶۱
Jan. 31. 1983.
شماره ۲۵ سال سوم
شماره مسلسل ۴۳۷
سال تأسیس: ۱۳۵۹

اهدای درفش مسابقات کار

درفش مسابقات کار بعد از ظهر اول مسابقات گردیده است. در روز ملی مراسمی توسط مسوول تشکیلات کمیته حزبی شهر کابل به کارگران مطابع دولتی اهدا شد. کارگران مطابع دولتی از پلان مجوزہ اضافه تولید نموده است.

کارگران مطابع دولتی در ربح سوم سال ۱۳۶۱ مسابقات کار که به افتخار پنجمین سالگرد انقلاب شور بهرام انداخته شده است در بخش موسسات تولیدی طباعتی حایز مقام در ختم این مظهر تحسین نامه ها به یکمه از کارگران قهرمان که از خود لیافت و شایستگی نشان داده اند از طرف شورای شهر کابل تقدیریه های صنفی توزیع شد.

پیشرفت کار ساختمانی

کار ساختمانی در حله اول پروژه مسکوئی شهرآزاد که مدت دو سال مسکوئی شهرآزاد در حدود چهل فیصد پیشرفته و روزانه بیش از سه صد نفر در آن مشغول کار میباشند. با تکمیل هر حله اول پروژه هشتصد نفر جاذب خواهد گردید.

اخبار خارجی

تغییرات در کابینه هند

میرمن اندرا گاندی صدراعظم هند در پیروزی در کابینه کشورش یک تعداد تغییرات را اعلام نمود. بو تا سنگ سابق وزیر دولت قرار گزارش رسیده از دهلی نو در تغییر کابینه هند پست های عمده وزارت دفاع، خارجه و مالی به جا خود باقی مانده است.

تعداد وزرای کابینه مرکزی هند در تغییر کابینه اندرا گاندی از هجده به بیست واز وزرای ایالتی وشناختا پیرایا سابق صدراعظم از بیست و چار به بیست و هشت نفر ایالتی ایالت آندراپردیش بیست و وزیر افزایش یافته و معاونین وزرا از بیست و هشت تا هشتاد و دو نفر افزایش یافته و بیجا پیا سکار ریدی عضو است.

افزایش نظامیگری در پاکستان

افزایش نظامیگری در پاکستان و سهمگیری فزاینده آن در تطبیق سیاست استراتژیکی امیریا لیزم امریکا منبع تگرانی کشور های همسایه پاکستان را فراهم ساخته است.

این مطلب را روز نامه کر سنایازو پستا چاپ مسکو نوشته است روز نامه مذکور از مطبوعات شرق میانه نقل قول نموده گزارش داده است که اسلام آباد متفقانه به وزارت دفاع امریکا اجازه داده است که قلمرو پاکستان را مورد استفاده قوای تمرکز گزین آن کشور قرار دهد. همچنان اطلاعات راجع به پلان های وزارت دفاع امریکا برای عصری ساختن میدان های گرجی و هموا در اعمار پایگاه های میجر با و سایل پیشرفته الکترونیکی در گراجی، پشاور و اسلام آباد به منظور تامین نیاز مندی عساکر امریکا از جهت خواربار در بحر هند و همچنان جمع آوری اطلاعات چندین بار در مطبوعات امریکا افشاء گردیده است.

سیمینار نظم جدید اقتصاد بین المللی

سیمینار در مورد موضوعات نظم جدید اقتصادی بین المللی و بحث روی امکان راه های اعمار مجدد روابط اقتصادی موجود بین المللی برپروژ در مکزیکو گشایش یافت. این سیمینار به سر برستی مرکز تحقیق برای حل برابلهای اقتصادی و اجتماعی کشورهای رو به انکشاف و انکشاف را تشدید بخشیده مورد انتقاد در مکزیکو دایر گردیده است. در این کنفرانس نماینده گان-سک تعداد موسسات تحقیق علمی ملی و سازمان های اتحادیه های کارگری و احزاب سیاسی استرالیا و ژرمنه اند. قرار دادند.

جیمی کارتر:

امریکا بیاباد و پرابلم بزرگ مواجه اند

کارتر رئیس جمهور سابق امریکا ضمن مصاحبه با نامه نگار هوستون بست گفت که امریکاییان با دو پرابلم بسیار بزرگ منجمله بیکاری بوسا بقه و کسر فاحش بودجه فدرال روبرو میباشند. وی گفت: مسوول این امر سیاست دانه دین می باشد. کارتر سیاست خارجی حکومت ریگن را شدیداً مورد انتقاد قرار داده است.

اخبار داخلی

وعده همکاری در تطبیق برنامه های مترقی دولت

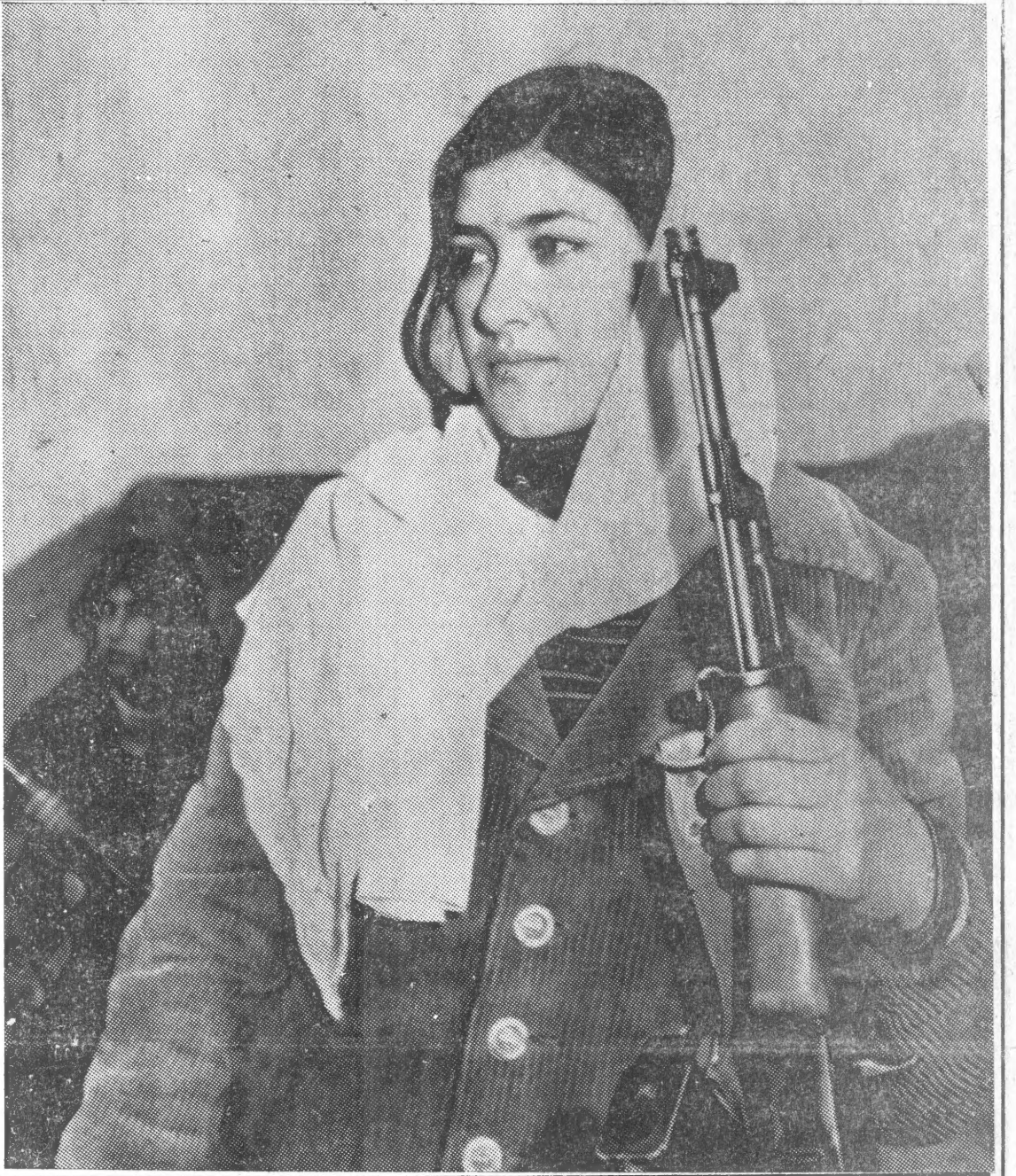
موسسیدان و مردم زحمت کش منطقه مغل کز و لسوالی حضرت امام بیکار علیه دشمنان انقلاب و مردم ولایت کندز اخیراً طی جر که قومی یک بار دیگر همکاری فاعطانه خود را در تطبیق برنامه های مترقی دولت وعده دادند. در این جر که تقریب کاری ها و جنایات باند های اشراش شدیداً محکوم گردید.

ایجاد سازمان اولیه حزبی

سازمان اولیه حزبی آمریت عمومی اصلاحات ارضی و کادستر و مدیریت عمومی نفت و شکر ولایت پروان اخیراً طی محفلی ایجاد گردید.

دفاع مسلحانه از انقلاب به وجه مقدس و تاخیر ناپذیر هر مرد وطن پرست کشور مبدل گردیده است.

شهره عضو فعال سازمان جوانان قلمه احمد خان و لسوالی بگرامی که دفاع از حزب و انقلاب بازنده گیش کرده خورده در مبارزه اش پیگیر و برهراش در بر خودشی با دشمنان آشتی ناپذیری گنشت است. اهداف والای حزب و دولت را با همه وجودش و با همه امکاناتش در عمل پیاده میکند. بخصوص بیکار انقلابی و مقدس بطاظر محو کامل ضد انقلاب، ایجاد فضای صلح و امنیت در مین، استحکام قدرت انقلابی در کشور و بخش اندیشه های درخشان حزب در بین توده ها برایش از هر خواستنی تر است.



در فابریکه جنگلک

ده فیصد کار بیشتر از پلان

پنج عدد، ساختمان گلوله ها مورد ضرورت فابریکه های سمنت سازی با قطر های مختلف بیست و دو هزارو هشتصد و هفت تن، سا مان آلات آبرسانی، تولید آکسیجن صحر و تخنیک، بالون چهل لیتر، وسایل و مواد را تولید نموده که علاوه بر تطبیق پلان خویش ده فیصد اضافه تر از پلان کار نموده است و از مدرک آن یازده و نیم میلیون افغانی عاید دولت گردید. علاوه بر این ده ماه هشت بار کار داوطلبانه به اشتراک دو هزار و هفتصد و چهارده کارگر برای انداخته شده که از درک این کار نه صد و شصت و هشت هزار و صد و پنجاه و هفت افغانی عاید شده. فابریکه جنگلک مسابقات کار را بین شعبات خود نیز برای انداخته که در گروپ تولیدی، دستگا، ذوب فلزات مقام اول را بدست آورد و مبلغ بیست و پنج هزار و نه صد و بیست و یک افغانی به کارگران آن دستگا جایزه داده شده و در گروپ ککی، دستگا، حفظ و مراقبت مقام اول را حایز گردید که مبلغ بیست و یک هزار و پنصد و هفتاد و سه افغانی به کارگران آن اهدا گردید. است. در جریان حفظ و مراقبت مقام اول را حایز گردید که مبلغ بیست و یک هزار و پنصد و هفتاد و سه افغانی به کارگران آن اهدا گردید. است. در جریان

در نتیجه مسابقات کار که

به اساس مصوبه مشترک کمیته حزبی شهر کابل، شورای شهری اتحادیه های صنفی و کمیته شهری س.د.ج.ا. در نه ماه سال جاری بین موسسات مختلف شهر کابل برای انداخته شده بود فابریکه جنگلک در بخش موسسات صنعتی طی نه ماه اخیر جایزه مقام اول گردید، و در فاش انتقالی مسابقات کار را کمایی نمود.

یک منبع مسوول فابریکه جنگلک به گزارش شکر ج.ا.ث. گفت:

فابریکه جنگلک کابل طی نه ماه اخیر در مسابقات کار شرکت ورزید و کار های ذیل را انجام داده است: ساختمان بادی فلزی سروسیس به شاسی های مختلف سنی و سه عراده، تانک های مختلف السایز یکصد و نو

پشتیبانی از مصوبات پلینوم دهم

فعلین حزبی ولایت هرات دیروز با تدویر جلسه دسوالون کنفرانس های قوماندانی خارتوی آن ولایت از مصوبات و فیصله های پلینوم دهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان حمایت و پشتیبانی نموده و در تطبیق آن اظهار آمادگی کردند.

اهدای خون

یک تعداد افسران، سربازان و سازمان قرارگاه و کندک قرارگاه قوماندانی عمومی دفاع از انقلاب وزارت امور داخه دیروز بصورت داوطلبانه سی و یک هزار سی و خون خویش را به نیازمندان خون در شفاخانه ها به بانک خون اکادمی علوم ملی قوای مسلح اهداء کردند.

ریاست حفظ و مراقبت سرکها

تلاش بخاطر کار بیشتر جریان دارد

ریاست حفظ و مراقبت سرکها که بنا بر ضرورت میرم نگهداشت سرکهای اساسی و خامه به منظور تامین تسهیلات ترانسپورتی کشور و حفظ سرمایه ملی که در ساختمان سرکها به مصرف رسیده است در سال ۱۳۴۴ در چوکات وزارت فواید عامه تاسیس و در سال های اخیر رقم یونته های اصلاحاتی این ریاست افزایش قابل ملاحظه یافته و پروگرامهای جدید اصلاحاتی در امر استحکام شاهراه ها و اصلاحات سرکهای خامه توسعه یافته است. یونته های اصلاحاتی مذکور به منظور بهتر ساختن سرکهای خامه و استحکام شاهراه ها از آغاز فعالیت بدینسو بیش از (۴۰۰) کیلو متر سرک مهم و ارتباطی خامه را در ولایت ننگرهار، پکتیا، پروان، کندهار، و غزنی جغل اندازی و ترمیم اساسی نموده و با استفاده از یونته اسفلت ریزی و رویه کاری در ترمیم (۲۵۰) کیلو متر شاهراه کابل-کندهار، کابل-تورخم (هرات-اسلام قلعه) نیسز اقدام گردیده و اصلاحات سرک کندهار-ارغستان قسمتی از سرک کندهار-ترین کوت، سرک ده بالا در ولایت ننگرهار قسمت از سرک بگرامی-لنه بند، سرک علیشنگ در ولایت لغمان صورت گرفته و در حدود (۳۰) کیلو متر اسفلت مجدد سرک بین غزنی و مقسر و (۷۰) کیلو متر رویه کاری بین هرات و اسلام قلعه تکمیل گردیده است که (۴۰) فیصد فعالیت های مذکور بعد از پیروزی انقلاب به انجام رسیده و طی چهار سال اخیر تولید جغل اندازی بیشتر از (۱۵۰۰۰) متر مکعب میرسد. پروگرام سال ۱۳۶۱ یونته های اصلاحاتی احداث بیش از ۱۲ کیلو متر سرکهای شهری را احتواء نموده و تعقیب کار سرک حلقوی حصه دوم خیرخانه مینه-گمرک به طول ۱۰۰ کیلو متر به عرض (۳۰) متر به امتداد کار سال ۱۳۶۰، احداث سرک فابریکه خشت به طول ۲ کیلو متر و ساختمان سرکهای مرکز بشمول کار سرک فابریکه خشت جزء پروگرام کنار ایشان میباشد. یک منبع مسئول ریاست حفظ و مراقبت سرکها گفت:



چهره سیاه

ضد انقلاب

کشتار امامان و روحانیون

مولوی محمد کریم پسر ملا شیر داد که در سال ۱۲۸۰ هـ ش در ولایت کندهار در قریه دیخواجه در یک فامیل فقیر متولد گردیده بود در دوره اخیر امام الله خان در جنگ استقلال کشور محبوب مان اشتراك فعال نموده خیلی رزمیده در جریان جنگ دستش نیز زخمی شده بود. او روشنفکر خوبی بود و هنگامیکه صاحب اولاد شد دختران و پسران خود را به مکتب فرستاده امور امامت مسجد ملا محمد عثمان خان در جاده عید گاه کندهار را نیز به عهده داشت. او قبل از انقلاب نور هم ظلم ظالمان را قبیح میکرد و بهمین جهت آنانرا خوش نمی آمد. ملا کریم بعد از پیروزی

انقلاب شکوهمند نور تبلیغات خود را به نفع مردم و انقلاب توسعه بخشید، او تقدس وطن پرستی و خدمت مردم را با آیات و احادیث ثابت میکرد. هنگامیکه دشمنان با تبلیغات خود محبوبیت او را کم کرده نتوانستند به تهدید مستقیم او شروع کردند و بارها بمرگ تهدید شش نمودند ولی او نمی ترسید دشمن را افشا میکرد و جنایات شان را بمردم روشن می ساخت. اشرار به زور مردم را مجبور میکردند که با کمک های مادی نمایانند، هنگامیکه اشرار کاغذها را به مسجد می آویختند او به آنها

قتل، غارت، جنایت

سید الحق پسر سید نصیر باشند که قریه رحمت آباد و لسوالی سر پل ولایت جوزجان که یازده ماه همراه باند گلبندین بود و بعد از زور آوردن به دولت انقلابی به خدمت سر بازی در قوای مسلح شامل گردید، حکایت می کند:

«... سیف الدین سر دسته ما شخصی به نام محمد جان را به نام اینک (کپ حکومت را در بین مردم میزنی) پیش چشم تو بسط لنگی آتقد ر خفه کرد تا که جان داد. بعد خانه اش را آتش زد، کودکان خود را سال او در بین آتش ناله کنان سوختند.

یک شب دیگر به شهر سرپل همراه با گسروپ خود آمدم دکان های سرای ذاکر را تلاشی و اموالش را پس از کشتن پسر ه دادر موسفید آنجا با خود بردیم.

در طول یازده ماهی که با آنها بود می دیدم موثرهایی را که درسك شیرغان و سنا نچا را گرفت و آمد می کردند. توقف داده و تلاشی میکردند، پول و ساعت و دیگر دارایی های را کین را میگردفتند.

«... شروع سال ۱۳۶۱ بود، سر کمیته حزب به اصطلاح اسلامي گلبندین بنا می لای برای من و دو نفر دیگر و طیفه داد که اسب پیدا کنیم. ما طبق راهنمایی اش سه راس اسب را از مرد میکه به بازار آمده بودند به جبر آوردیم و شب شد. مولان و عبدالواحدیا ما به طرف قشلاق احمد یار رفتند، دو دختر جوان را از یک خانه به زور کشیده آوردند و شب را با این دختران گذشتا. ندند...

ضد انقلاب این دژ خیما مرگ که ما سک اسلام را به رخ کشیده اند علاوه بر غارتگری و ویرانی دهها و صد ها مسجد و عمارت، آثار و ابدات تاریخی، پلها و پلچها، کلینیک ها و موسسات خانه ها، مکاتب و موسسات به فجیع ترین جنایات دست زده و حتی به زنده یوست کردن و آویزان کردن انسانها به چنگک قصاصی نیز کوتاهی نکرده اند.

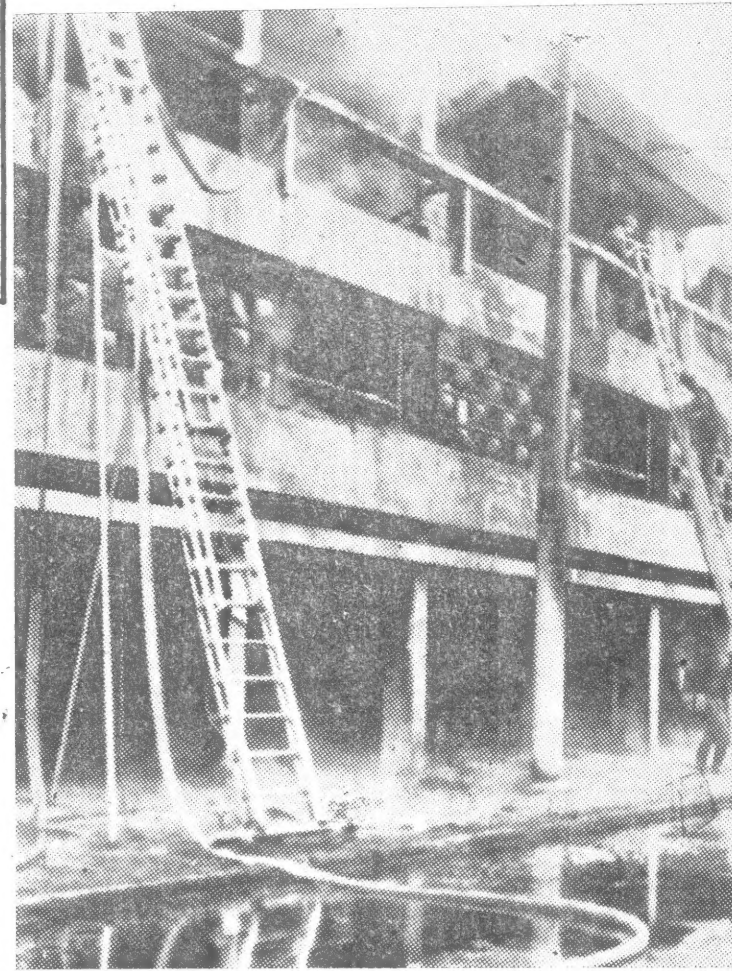
هموطن! در این نیشته تو به واقعیتی پی خواهی برد که با خواندن آن موی بر اندامت راست خواهد شد واقعیتی که در مقابل دیدگان پدر و مادر تو، برادر و خواهر تو، فرزندت و دوستت با لایحه در مقابل چشمان هموطن تو رخ داده است.

شاهد عینی ما در این نیشته عطا محمد سرپل ز

حقایق هولناک

غار بولان که در منطقه سیوری ولایت زابل واقع است مدتی کشتارگاه بود. «حرکت اسلامی» عده زیادی از هموطنان بیکانه ما که یازده اشرار را اطاعت نکرده و یا از شاهراه کابل-کندهار بوده شده بودند، در اینجا کشتار گردیده اند. در نتیجه عملیات فیصله کن قوای مسلح بتاریخ ۲۰۰۳ درین منطقه کشتارگاه بولان نیز کشف گردید و از آنجا جسد بیشتر از ۲۰۰ نفر هموطن بیکانه با اسناد زیاد، لباسهای خون آلود، یکس های دستی، بوت، دریشی و غیره بدست آمد.

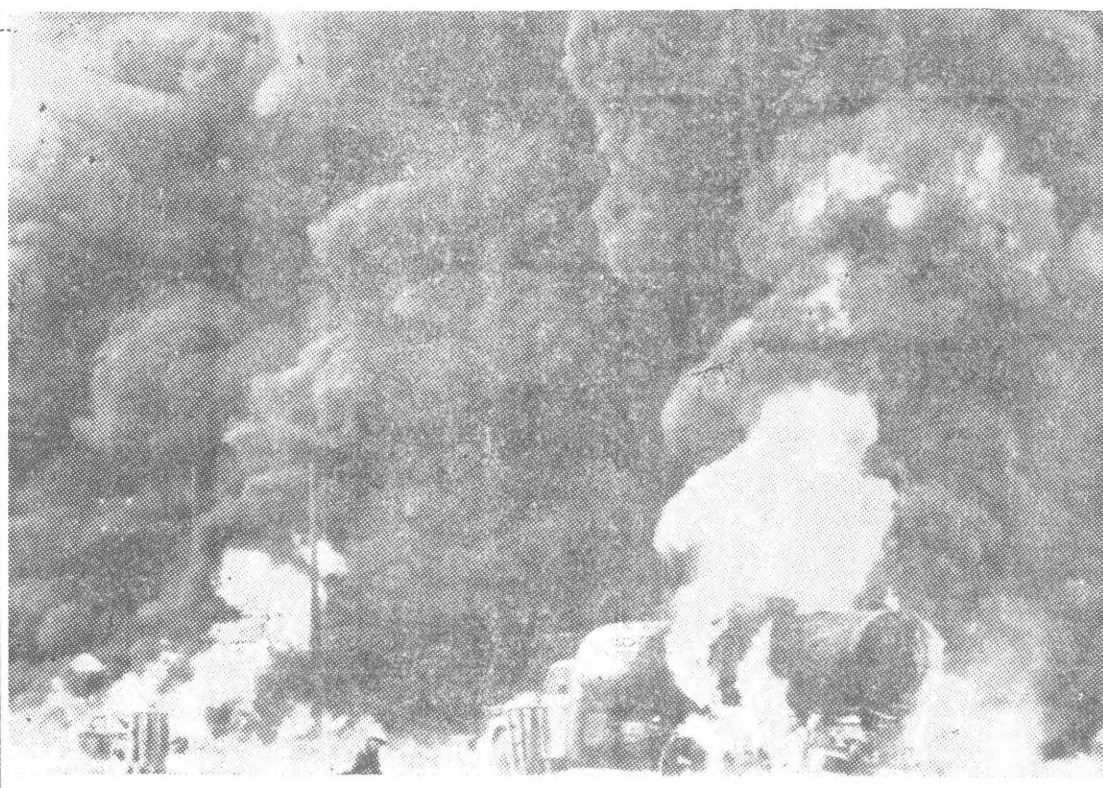
... و باز هم تصویرهای تکان دهنده از وحشیگری ها و جنایات اشرار ضد انقلابی. جسدی را که در عکس بالا مشاهده میکنید، یکی از هزاران قربانی بی گناه این آدمکشان حرفی است. دستان این جانی ها هم اکنون به خون هزاران هموطن بی گناه ما آلوده شده است. و این هم نحوه دیگری از وحشیگری اشرار بی وطن. اینان با انفجار تانکر مواد نفتی در مقابل ریاست عمومی مواد نفتی و سکر و به آتش کشیدن این موسسه یکبار دیگر پرده از چهره کثیف ضد انسانی خود و با داران خارجی خویش برداشته.



شاهدان عینی سخن میگویند

قصای انسانها

کندک ابرا تیفی و لایست بلخ است که غرض پاکسازی قریه سمرقندیان از وجود ناپاک و بدنام اشرار به آنجا رفته بود. او گفت: ما و قتیکه به قریه سمرقندیان و لسوالی بلخ رفتیم مردم آن قریه به استقبال ما آمدند عده یی سروروی ما را بوسیدند و عده یی گریه را سر داده چیخ میزدند. درین میان زنن پیچه سفیدی که اشک از چشمانش جاری بود نزد ما آمد. گفت: بچم خوب شده آمدین «مجا هدینه!» بکشین تا بودش کنین، یک نفر شانه زنده نمایین، ای «مجا هدین!» پیشرو ی زن جوانه که تسلیم شان نشده بود قریه چار نفر از مرد های ما ره گرفته از دست چنگک قصاصی آویزان کردند و روی شانه با کارد زنده پوست کرده و بعد کده چنگک قصاصی جان دادن، جسد های شانه ده این همی دشت پرتاب کرد. رفتن، ای کفار که بنام مجاهد اسلام چیخ میزدند با لونی های سیاه پوش های خود بیجا - نده و بالایی اسب هاسوار، مرد مه میکش و بود و نبود اونا ره به زور میکش و یا دزدی میکش و مثل... ها در کوه ها زنده گی میکنند و همونا دو نفر دختر جوانه که تسلیم شان نشده



برباد رفته ها

شور و فریاد سراسر کمپ را فرا گرفته بود، سوزولین کنترل کمپ همراه با عساکر ملیشه پاکستانی برخیزه عمر گل ریفتند و او را از خیمه بیرون کردند. لفظی بعد صدای شلیک چند گلوله شنیده شد.

فردی آن قاتلین اعلام کردند که عمر گل میخواست یک تن از «مجاهدین، حزب اسلامی» را به قتل برساند، لذا به اعدام محکوم شد.

ضیقه قتل عمر گل هنوز در سربازان ها نیفتاده بود و اشک مرگ شوهر هنوز از چشمان خانم او نه خشکیده بود که چند تن قاتل خانم او را نیز به بهانه تحقیق به حرعمرای «امیر حزب اسلامی» انتقال دادند.

به یاد آورده خاطرات انو هبار داخل حرعمرای، زن را تکان داده و بغض آورد. او دیگر یقین داشت که کودکان محکوم که از سر نوشت آنان بر اطلاع است. خانه و زندگی همه و همه چیز را از دست داده است، اشرار همه چیزش را از وی گرفته اند و با وجودیکه آغوش مادر و سن برویش باز است، اما اشرار و عساکر ملیشه راه باز گشت به وطن را نیز به رویش بسته اند.

سبب مریضی سر خانم از بین رفتن و برای آنها حتی تکه کفن پیدا نمی شد. با شنیدن این قصه ها و صحبت ها خواب از چشمان عمر گل و خانمش به کلی فرار کرد.

شب به نیمه رسیده بود که عمر گل سری به بیرون زده و چند قسمی از خیمه دور شد، لفظی بعد وقتی دوباره به خیمه برگشت خانمش سیاهی دور خیمه اش ایستاده بودند، عمر گل بادیان آنها کمی تکان خورد، به خصوص سروصدای که از داخل

خیمه اش شنیده میشد حیرت او را بیشتر ساخت و همینکه به خیمه داخل شد با صحنه یی مواجه گردید که جابجا خشک شد. عمر گل مرد تنگداری را دید که... اما خانمش باوی کلایز بود. عمر گل به دست های خالی اش تگریست. بعد... پیچه هایش بطرف گلو ی آن مرد پیش رفت و با تمام قوا آنرا فشار داد و در این حالت به هیچ چیز نمی اندیشید. تنها می خواست از ناموسی بر باد رفته اش دفاع کند، ناموسی که تمام عمر پاک و باغفت زندگی کرده بود.

عزیز زادی خیمه تحویل دادند. کنار خیمه کثافات و خزنده های بضر کمبودی نداشت. تاریکی شب فضای کمپ (تور) را فرا گرفت. اطفال عمر گل بالای تکه پاره یی که فرش نامیده میشد به خواب سنگین فرو رفته و فقط عمر گل و خانمش بیدار بودند و بدون آنکه باهم حرفی در میان کنند به صد های که از خیمه های نزدیک شنیده میشد گوش فرا داده بودند. یکی میگفت: «المسوس» چه جوانی بود بیچاره از مرض گلون دزدی از بین رفت. در این دست بی سرو پا هیچ چاره علاج آن نبود. دیگری میگفت: «کی علاج و درمان او بیچاره ره میگرد. دوا و داکتر در این دست از کجا شوه. در اینجا هر کسی که مریض میشد مجبور بود به بیرون مسوس... دیگری صدا میکشید: «آهسته بگو که او کافرا نشوند. اگر نه می آیند و ترا هم میکشند.» آن دیگری که از صدایش بیدار بود که آدم مسن و سالخورده یی است می-گفت: «شما هم چه گیاهی می زنید. من امروز تا آخرین خیمه بغض یک هن نسوار رفتم مردم قصه میکردند که در حدود (۲۴) طفل نش ساله از

نداشت که به پاسخ اطفالش بگوید. کاروان چهار نفری بعد از تحمل همه رنجها و تکالیف به کمپ (تور) رسیدند. خیمه های زیادی کنار هم قرار داشت. اطفال لقونیم که با چهره های زرد و نحیف که از آن سراسر انوشو حشر می بارید داخل خیمه ها به حالت نیمه بیدار افتاده بودند. به اکثر آنان از دو روز باین طرف غذای نرسیده بود. از بعضی خیمه ها صدای ناله مرغان بگوش میرسید، آنها از چندین ماه به این سو در بستری باری فرار داشتند، نه داکتری بود و نه دار و بی، سراسر فضای خیمه ها را سکوت ماتمرا فرا گرفته بود، آناتیکه هنوز مریضی به سرافشان نایمه بود در افکار دور و درازی غرق بودند. در عالم خیال به کشور عزیز خویش دوباره بر می-گشتند، آنها دوستان و عزیزان خود را بیاد می آوردند و آه عمیقی از حسرت و پشیمانی می کشیدند. پشیمانی بغض ترک وطن و پشیمانی بغض آنکه چرا باین ماتمرا در دو رنج پناه بردماند. عمر گل و خانمش نخستین سبب را به هرنحوی بود گلداریدند فردا برای او و خانمش در بدل هزار

